انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر شعر معاصر ایران (قسمت دوم)

پدید آورنده : نامشخص ، صفحه 21

اشاره:

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بزرگ ترین حوادث قرن کانون توجه جهانیان بوده است. انقلاب اسلامی، با ایجاد فضای تازه اجتماعی و سیاسی زمینه آفرینش هنری و ادبیاتی متناسب با فضای تازه و نیازهای آن فراهم آورد. در این مجال چنانچه در شماره پیشین این مقاله یادآور شدیم بر آنیم نیم نگاهی به چگونگی اثرگذاری انقلاب اسلامی به عنوان جریانی سیاسی، فکری و اجتماعی بر محتوا و درون مایه آثار ادبی بویژه شعر بیندازیم.

در قسمت اول این مقاله درباره ادبیات سال های قبل از پیروزی (دهه 50)، ادبیات سال های پیروزی و دفاع مقدس (دهه 60) و همچنین درون مایه شعر انقلاب اسلامی در سال های جنگ مباحثی را طرح کردیم. در ادامه بررسی درون مایه شعر انقلاب را در این شماره پی می گیریم.

مدح اهل بیت (علیهم السلام)

در شعر این دوره از تاریخ ادبیات فارسی، اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» جایگاه ویژه ای دارند. کمتر شاعری را می توان تصوّر کرد که به این مقوله توجّهی نکرده باشد. شاعر انقلاب، گاهی به خاطر انطباق مسائل جنگ یا حوادث انقلاب با احوال ائمه اطهار ناگزیر به تذکّر این موضوع شده و گاهی ارادت و اخلاص به ساحت ائمه اطهار و مدح و منقبت حضرات معصومین ایجاب کرده است تا به این موضوع بیشتر پرداخته شود. شعر خط خون از علی موسوی گرمارودی یکی از نمونه های این اشعار است

درختان را دوست می دارم

که به احترام تو قیام کرده اند

و آب را که مهر مادر توست

خون تو شرف را سرخگون کرده است

شفق، آیینه دار نجابتت

و فلق محرابی

که تو در آن

نماز صبح شهادت گزارده ای.

در فکر آن گودالم

که خون تو را مکیده است

هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم

در حضیض هم می توان عزیز بود

از گودال بپرس! شمشیری که بر گلوی تو آمد

هر چیز و همه چیز را در کائنات

به دو پاره کرد:

هر چه در سوی تو، حسینی شد

و دیگر سو، یزیدی...

واهمه افول ارزش ها بعد از جنگ

از رویکردهای شعر انقلاب توجه به ارزش ها و یادآوری آن هاست. یکی از دغدغه های شاعران متعهد پس از جنگ توجه دادن مردم به انتقال ارزش ها در میان مردم و گوشزد کردن آن هاست. شاعر این دوره سعی دارد وجدان های به خواب رفته را دوباره بیدار کند. او می خواهد آنچه را که در گذشته نه چندان دور هموطنانش برای به دست آوردن آن در اوج مقاومت و ایثار جانفشانی کردند، یادآوری کند. شاعر با این نگاه میل به مادی گرایی مردم و پذیرش الگوهای پوشالی و تو خالی و مدگرایی را تقبیح می کند. مردمی که اگر چه از نظر رفاه در وضعیت بهتری نسبت به گذشته زندگی می کنند ولی به علت تغییر دیدشان و انتقال برخی ارزش ها دچار بحران شده اند.

همچنین بی اعتنایی مرفّهین بی درد نسبت به دستاوردهای انقلاب اسلامی و جنگ و بی توجهی آن ها به محرومان، رواج تملّق و چاپلوسی، قدرت یافتن صاحبان ثروت و... از مقولات مورد توجه شاعران انقلاب در این برهه از تاریخ ادبیات ماست.

شعر «در روزگار قحطی وجدان» و «مولا ویلا نداشت» از علیرضا قزوه دو نمونه از بهترین نمونه این اشعار است.

در روزگار قحطی وجدان

آن روزها که فیلَم یاد هندوستان نکرده بود

شعرهایم را در کوزه می گذاشتم

و آبش را با اجاز می خوردم

و امروز می خواهم شاعری باشم

با شمشیر وجدان در دست

و واژه هایم را به مؤاخذه بگیرم...

ما با یک سماور برقی متمدّن شدیم

و یاد گرفتیم بگوییم:

- مرسی، عالی جناب!

و امسال سال قحطی عاطفه بود

سالی که آخرین بازمانده های انوری

دیوانشان را چاپ کردند

و هیچ کس به ریش داران بی ریشه نگفت

بالای چشمتان ابروست

جنگ که تمام شد

عموجان فرانک هم از فرانسه برگشت

هنرمندان برای گاو مش حسن رمان نوشتند

و بر اساس یه قل دو قل

آخرین فیلمشان را ساختند

... و باز همان آش و همان کاسه...

بیا بی خیال باشیم

در روزگار چرخش های صد و هشتاد درجه

در روزگار جوک و غیبت

... بگذار صغری سر بچه هایش را

با سیراب و شیردان گرم کند

زینب همچنان پیه آب کند

مادر سه شهید دق کند

امام خون دل بخورد...

عرفان

ادبیات، عرصه ای برای عرضه و طرح ژرف ترین اندیشه ها و بزرگ ترین دغدغه ها و دلمشغولی هاست. از جمله این اندیشه های ژرف، عرفان است که حرف دل آدمی است و مبتنی بر زیباترین حالت های روحانی و توصیف ناپذیر انسانی است که آدمی خود را غرق دریای حق می داند و بی واسطه حقیقت مطلق را کشف می کند. این گستره، آیینه روشن و شفاف احساس و جلوه گاه الهامات و اشراقات و رساترین زبان در ترسیم احوال درونی و انفسی است. علاوه بر توجه بسیاری از شاعران انقلاب به این مضمون، زیباترین و ناب ترین اشعار عرفانی این دوره از ادبیات معاصر متعلق به حضرت امام خمینی «ره» است. هر چند شعر و شاعری پیشه و اندیشه همیشه امام نبوده اما اشعار ایشان سرشار از مضامین بلند عارفانه است و گواه مطالعات عمیق و وسیع حضرت امام «ره» در حوزه عرفان فطری و عملی و شعر فارسی است.

شعر امام شعری است همراه با شور و سوز و مملو از مضامین تحول آفرین و کمال بخش. او در غزلیاتش انسان را از علوم ظاهری به عرصه علوم معنوی و سرمستی های عارفانه فرا می خواند.

عشقت از مدرسه و حلقه صوفی راندم

بنده حلقه به گوش در خمارم کرد.

ماده عشق

وی روی و ریا را ناساز با عشق حقیقی معرفی می کند و با دعوت به عمل همراه با خلوص و رضای حق، رهروان راه عشق را از زهد ریایی بر حذر می دارد.

رهرو عشقی اگر، خرقه و سجاده فکن

که به جز عشق تو را رهرو این منزل نیست

شعر امام «ره» از خنکای اسلام بهره مند و از اقیانوس بی پایان قرآن و عترت سرچشمه گرفته است، برای شاهد نمونه ای را می آوریم:

«ان اللّه اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأنّ لهم الجنّة»؛ «خداوند از مؤمنان جان و مالشان را به بهای بهشت می خرد.»

امام می فرماید:

جان در هوای دیدن دلدار داده ام

باید چه عذر خواست متاع دگر نبود.

انتظار

شعر انتظار از موضوعات مورد توجه شاعران انقلاب است. آن ها با نظریه این موضوع که از اعتقاد قلبی شان به امام زمان «عج» به عنوان آخرین ذخیره الهی و مصلح جهانی و آخرین امام معصوم شیعه که با ظهورش عدالت را به ارمغان خواهد آورد خواننده شعرهای خود را متوجه این موضوع کرده و امید و انتظار را در خواننده خود تقویت می نمایند:

از مشهد خون بانک اذان می آید

سردار گل از خوانِ خزان می آید.

از دشنه ملحدان پنهان در شب

سیلابه خون زهر کران می آید

فریادِ بلند اختران عاشق

از نای فراخ آسمان می آید

پیری که دلش آیینه بیناییست

با جاذبه عشق جوان می آید

ای منتظران خسته شهر حصار

آن مرد همیشه قهرمان می آید

از راه مه آلود افق منجی خاک

با اسب ستاره دمان می آید

ای جوهریان! مژده که منظومه گل

با کوس سپیده دم عیان می آید

بر بام جهان منادی بیداری

گوید که امیر عاشقان می آید

ای شب زدگان خفته بیدار شوید

خورشید دل از مشرق جان می آید

در گلشن شعله سربداران شهید

گفتند که صاحب الزمان می آید.

ولایت فقیه

به اعتقاد شیعه در عصر غیبت امام مهدی «عج» فقیهی جامع الشرایط مرجع امور مردم و ولی و سرپرست آن هاست. شاعران انقلاب نیز در هر فرصتی به این مهم توجه نموده اند. شعر ذیل را احمد عزیزی درباره رحلت امام خمینی «ره» سروده است:

هین مگر این زلزله تنزیل بود

یا طنین بال میکائیل بود

ای تو سکّان سکینه مؤمنین!

نوح امّت، کشتی حق، قطب دین!

ای یل نفس پلید انداخته!

ای حسین با یزید انداخته!

ای حسن پیموده راه حسین «علیه السلام»!

پرچم خون بر گلوگاه حسین «علیه السلام»!

ای نفیر پنج تن آل عبا!

چار قطب ارض را زیر قبا

... ای غریو نینوا در هی هی ات!

زینبستان، زینبستان در پی ات

یا خمینی! بی تو گلشن بی صفاست

داغ تو همرنگ داغ مصطفاست

هر کجا شور حسینی می شود

یک خمینی صد خمینی می شود.

پی نوشت ها:

1. مکارمی نیا، علی، بررسی شعر دفاع مقدس، ص 86.

2. موسوی گرمارودی، علی، گزینه اشعار، ص 141.

3. سوره توبه (9) آیه 111.

4. مردانی، نصر اللّه، سمند صاعقه، ص 64.

5. شرجی آواز، ص 113.